

وضعیت سنجی امید اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی)

محمد امیرپناهی* ، مهدی مالمیر** ، محسن شکرپانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۰

چکیده

مقاله حاضر حاصل تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ایران است که در سال ۱۳۹۵ بر روی یک نمونه بزرگ ۸۲۵۰۰ نفری ساکنان ۴۲۶ شهر مرکز شهرستان‌های کشور انجام شده است. در این تحقیق واحد مشاهده فرد است ولی سطح تحلیل استان بوده و هدف اصلی نیز ارائه نیم‌رخ و سیمای امید اجتماعی استان‌های کشور است. برای این منظور علاوه بر توصیف کلی شاخص امید اجتماعی کشور، رابطه ارزیابی افراد از گذشته، حال و آینده بر اساس یک شاخص ترکیبی، در بین استان‌های کشور بررسی و مقایسه شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که بین ارزیابی افراد از زمان حال با ارزیابی از گذشته و آینده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با احتساب شاخص ترکیبی امید اجتماعی مشخص گردید اولاً

amirpanahi@atu.ac.ir

malmir77@yahoo.com

mshokryani@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

*** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.

در مجموع میانگین امید اجتماعی در بین ایرانیان برای ده سال آینده منفی و رو به کاهش است و ثانیاً تفاوت و نابرابری در امید اجتماعی به آینده در بین استان‌ها بیشتر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: وضعیت سنجی، پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، امید اجتماعی، سیاست امید، جامعه‌شناسی امید

مقدمه

یکی از موضوعات مهم که در تاریخ جامعه‌شناسی و میان پژوهشگران اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی امید است. البته بررسی‌های جامعه‌شناختی همواره به مسائلی نظیر از خود بیگانگی، گرفتار شدن در چرخه زندگی ماشینی، یأس و مسائلی که انسان مدرن با آن مواجه است توجه داشته‌اند، اما امید اجتماعی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و نیازمند مطالعات تخصصی‌تر، تنها در دهه‌های اخیر است که در قالب جامعه‌شناسی احساسات و یا از منظر مطالعات روان‌شناختی در کانون توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است (نگاه کنید به Turner, ۲۰۰۷; Stets and Turner, ۲۰۰۴; Turner, ۲۰۰۷). مطالعات صورت گرفته در حوزه امید عمدتاً به اواخر دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد و روانشناسی به‌ویژه روانشناسی سلامت در زمره اولین شاخه‌های علوم انسانی است که به این مقوله به‌صورت جدی پرداخته است. بنابراین یکی از مسائل قابل‌تأمل در موضوع امید اجتماعی در سطح جهانی، ناکافی بودن مطالعات جامعه‌شناختی و خلأ تئوریک در این حوزه است. در ایران نیز کم‌توجهی به مطالعات امید اجتماعی و نیز فقدان منابع و کتب معتبر بیشتر احساس می‌شود. از سویی دیگر از حیث سنجش و تولید داده‌های معتبر نیز کاستی‌هایی زیادی قابل‌مشاهده است. این در حالی است که هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز در حوزه کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش امید در جامعه در گام نخست منوط به شناخت کافی و در دسترس بودن داده‌های معتبر است. در این مقاله تلاش می‌گردد به

معضل دوم مطالعات امید در کشور (یعنی فقدان داده‌ها و سنجش وضعیت امید اجتماعی) پرداخته شود. این نوشتار با اذعان به اهمیت تبیین و سبب‌شناسی مسئله امید اجتماعی در کشور در گام نخست صرفاً بر توصیف وضع موجود و سیمای امید و نیز دست یافتن به یک شاخص ترکیبی برای فهم بهتر وضعیت امید اجتماعی در جامعه ایرانی، متمرکز است.

البته در کنار وضعیت‌سنجی امید اجتماعی به تفکیک استان‌های کشور تلاش شده است -به منظور آشنایی با ادبیات نظری مطالعات امید اجتماعی و طرح سؤال برای مطالعات آتی- در این زمینه برخی از مهم‌ترین مطالعات نظری در حوزه امید اجتماعی مطرح و منابع مهم آن معرفی گردد. برای این منظور پس از بحثی مختصر راجع به چیرستی امید اجتماعی مهم‌ترین مباحث نظری پیرامون آن مطرح شده است. سپس با مراجعه به اطلاعات و داده‌های برآمده از پژوهش‌های جدید در ایران، میزان امید اجتماعی در سطح ملی و استانی محاسبه و توصیف شده است. همچنین بر مبنای این شاخص‌ها یک سنجش ترکیبی برای امید اجتماعی محاسبه گردیده تا وضع کلی جامعه ایرانی با استفاده از این سنجش مورد ارزیابی قرار گیرد. این مقاله حاوی اطلاعات کمی مهم و مفیدی برای تحلیل و تبیین امید اجتماعی است، به‌علاوه با نیم‌نگاهی که به دورنمای این مسئله در ایران دارد این امکان را می‌دهد تا مدیران، تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران حوزه اجتماعی با درک عینی و واقعی‌تری به این موضوع توجه نمایند.

طرح جامعه‌شناختی امید اجتماعی

همان‌طور که بیان شد در تاریخ جامعه‌شناسی، حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی امید چندان موردتوجه نبوده است و اولین مطالعات در زمینه امید عمدتاً به اواخر دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که از سوی روانشناسان به‌ویژه شاخه روانشناسی سلامت صورت گرفته است. یکی از شناخته‌شده‌ترین افرادی که از منظر روان‌شناختی در ارتباط با امید

نظریه‌پردازی کرده است اسنایدر^۱ است. وی با تأکید بر جنبه فعالانه بودن امید، آن را نوعی احساس تعریف می‌کند که با فرایندهای شناختی سروکار دارد و از طریق آن افراد ۱- هدف‌هایشان را تعیین می‌کنند ۲- به توسعه استراتژی‌های خاصی برای نیل به اهدافشان می‌پردازند و ۳- انگیزه لازم برای اجرای اهداف را به وجود می‌آورند و در طول مسیر آن را حفظ و نگهداری می‌کنند (Snyder, ۲۰۰۶; Snyder and etl, ۲۰۰۳).

در حقیقت اسنایدر امید را مجموعه شناختی می‌داند که بر احساس موفقیت ناشی از منابع گوناگون (تصمیم‌های هدفمدار) و مسیرها (شیوه انتخاب‌شده برای نیل به اهداف) استوار است. بنابراین امید یا تفکر هدفمدار از دو مؤلفه مرتبط به هم یعنی مسیرهای تفکر و منابع تفکر تشکیل شده است. مسیرهای تفکر انعکاس‌دهنده ظرفیت فرد برای تولید کانال‌های شناختی برای رسیدن به اهداف است و منابع تفکر هم عبارت‌اند از افکاری که افراد درباره توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان برای عبور از مسیرهای برگزیده تعریف کرده‌اند تا به اهدافشان برسند. از طریق ترکیب منابع و مسیرها می‌توان به اهداف رسید اگر هرکدام از این دو عنصر شناختی وجود نداشته باشند رسیدن به اهداف غیرممکن است. شواهد تحقیقات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد بین بالا بودن میزان امید افراد و موفقیت آن‌ها و سلامتی جسمی و روانی ارتباط وجود دارد. به اعتقاد اسنایدر برگزیدن هدف‌های مناسب و تلاش برای رسیدن به آن‌ها، همان چیزی است که می‌توان به آن تفکر هدفمدار یا امید اطلاق کرد (نصیری و جوکار، ۱۳۸۷: ۱۶۱). از همین منظر محققان دیگر، تعیین هدف، نیروی راهیابی و نیروی اراده را سه جز اصلی امید تعریف می‌کنند (علیپور و اعراب شیبانی، ۱۳۹۰: ۷۳). جون و نیکولای چوک^۲ نیز امید را با هفت مؤلفه مشخص می‌کنند که در زبان انگلیسی با حرف "c" شروع می‌شود و شامل کنارآیی، اقدام، شادی، اجرا، ارتباط، خلق و جمع‌گرایی است (گیتی قریشی، ۱۳۸۸: ۴۶).

۱. Snyder

۲. Jevan & Nikolaichuk

علاوه بر رویکرد روان‌شناختی به امید، منظر دیگر فهم امید در نظر گرفتن آن به‌عنوان امری اجتماعی و جامعه‌شناختی است. از این زاویه امید اجتماعی، معرفت و آگاهی نسبت به جایگاه فرد در جامعه و تصویر فرد از خود و ارتباط عامل انسانی با کلیت نظام اجتماعی است. بر این اساس امید اجتماعی بیش از آنکه یک درک احساسی از وضعیت موجود باشد نوعی آگاهی و معرفت نسبت به جامعه و ارتباط متقابل فرد و نظام اجتماعی است. به تعبیر ترنر^۱ پویایی‌های عاطفی در ساختار اجتماعی و فرهنگ حک شده‌اند (Turner, ۲۰۰۷: ۶۶). و رویکرد جامعه‌شناختی مقوله امید را در متن وسیع‌تر اجتماعی قرار می‌دهد. از این منظر مهم‌ترین مسئله درباره امید خود اندیشه امید است. امید اجتماعی آن چیزی است که در معرفت و آگاهی جمعی کنشگران ساری و جاری است. جامعه‌شناسی امید می‌بایست بر این قلمرو متمرکز شود و جریان تعاملی کنشگر و نظام اجتماعی را در رابطه با مقوله امید اجتماعی واکاوی کند. از یک‌سو این مسئله مورد تأکید است که جامعه و نظام هنجاری و ارزشی چگونه می‌تواند کم و کیف امید اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و نیز بر چه اساسی تفاوت‌های گروهی، ارزشی، طبقاتی و... تجارب متفاوتی در مقوله اجتماعی ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر ضروری است که به این مسئله نیز اندیشید که خود اندیشه امید به چه نحوی می‌تواند ساختار اجتماعی را متأثر سازد. در ادبیات نظری جامعه‌شناسی، آنچه که با مقوله امید اجتماعی ارتباط مشخص و مستقیمی دارد، مباحثی است که در حوزه جامعه‌شناسی احساسات مطرح شده است. تلاش ما این است که ضمن پرداختن به برخی از مهم‌ترین مباحث تنوریک در این حوزه، با بهره‌گیری از رویکردهای نظری در حوزه جامعه‌شناسی به تبیین مقوله امید اجتماعی پردازیم.

یکی از مکاتب نظری مهم در جامعه‌شناسی، کارکردگرایی است. تحلیل امید اجتماعی از این منظر مستلزم دیدن آن به‌مثابه کارکرد نظام اجتماعی است. در رویکرد

۱. Turner

کارکردگرایی جامعه هسته اصلی همه چیز است. طبعاً مقوله امید اجتماعی نیز وجودش را از همین هسته مرکزی می‌گیرد. ساختارهای اجتماعی مقدم بر افرادند و تمنیات، احساسات، امیدها و آمالشان را به سازه‌های اجتماعی تبدیل می‌کنند. در نتیجه چنین فعل‌وانفعالاتی است که کنترل اجتماعی و نظم اجتماعی محقق می‌شود. دورکیم معتقد بود که آرزوهای انسانی را تنها می‌توان با نظارت‌های اجتماعی مهار کرد. جامعه بر آرزوهای بشری محدودیت‌هایی را تحمیل می‌کند و از این طریق شیرازه نظم اجتماعی شکل می‌گیرد (تامپسون، ۱۳۸۸؛ کوزر، ۱۳۹۰؛ گیدنز، ۱۳۸۸). در این معنا امید اجتماعی یعنی سرشار شدن از تمنیات و آرزوهای جامعه. سازوکارهای جامعه‌پذیری خواست‌ها، تمنیات و آمال اجتماعی را در افراد درونی می‌کنند و از این طریق امیدها و افق‌های پیش روی افراد تعریف می‌گردند.

از منظر رویکرد تضاد، مقوله امید اجتماعی معطوف به تغییرات اجتماعی است. رندال کالینز^۱ یکی از نظریه‌پردازانی است که با الهام از مارکس، وبر، دورکیم و پدیدارشناسی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه تلاش کرده است دستگاه نظری منسجم‌تری از نظریه تضاد ایجاد کند. وی با تأکید بر سطح خرد برای ورود به تحلیل کشمکش یا تضاد، ساختارهای اجتماعی را جدایی‌ناپذیر از کنشگران اجتماعی‌ای که آن‌ها را می‌سازند، می‌داند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱۷۰). کالینز بر سطح خرد در تحلیل اجتماعی تأکید می‌کند چراکه معتقد است که ساختارهای کلان همان تجمع کنش‌های متقابل خرد در بین کنشگران هستند و مطالعه پدیده‌های خرد به درک پدیده‌های کلان می‌انجامد (Collins, ۱۹۸۱). یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که کنش‌های خرد را هدایت و برمی‌انگیزاند مقوله امید اجتماعی است. کالینز این موضوع را در قالب "انرژی احساسی"^۲ بیان می‌کند. وی انرژی احساسی را این‌گونه تعریف می‌نماید: سطح بادوامی از قدرت شخصی، اشتیاق، معنایی از پیوستگی اجتماعی و یا تمایل به درگیر شدن در

۱. Randall Collins

۲. emotional energy

کنش‌های متقابل (Collins, ۱۹۹۰). بر این اساس از نظر کالینز انرژی احساسی در خلال "زنجیره‌های کنش‌های متقابل آیینی"^۱ ایجاد و حفظ می‌گردد. آنچه در این میان دارای اهمیت است به حداکثر رساندن انرژی احساسی است. از نظر کالینز افراد جامعه همواره برای حداکثر سازی و افزایش سطح انرژی احساسی خود (یا همان اشتیاق، درگیر شدن در تعاملات اجتماعی و...) تهییج می‌شوند.

بر اساس آن چه ذکر شد می‌توان گفت که از نظر کالینز امید اجتماعی می‌تواند به دو شیوه افزایش یابد: اول آنکه تجارب همبستگی اجتماعی مبتنی بر زنجیره‌های کنش متقابل آیینی توسعه پیدا کند. کالینز الزاماتی را برای گسترش انرژی احساسی در آیین‌های موسوم به "آیین‌های همبستگی"^۲ ترسیم می‌کند. یعنی وجود کنش‌های چهره به چهره، آگاهی و توجه دوطرفه، احساس مشترک بین اعضا. دوم از طریق انتقال در کنش‌های متقابل سلسله‌مراتبی. یعنی جایی که افراد قدرتمندتر در کنش متقابل انرژی احساسی بیشتری به دست می‌آورند و افراد ضعیف‌تر انرژی خود را از دست می‌دهند، در این معنا مردم جذب افراد کاریزماتیک (با انرژی بالا) می‌شوند. طبق نظر کالینز انرژی احساسی عاملی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و همچنین تعیین جایگاه افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی است. انرژی احساسی پایین می‌تواند به احساساتی نظیر "ازخودبیگانگی"، "افسردگی"، "ناتوانی"، و ... دامن بزند اما انرژی احساسی بالا می‌تواند در قالب احساسات همبستگی، احساسات اخلاقی، شور دیوانه‌وار برای هجوم بردن به یک موقعیت، یا سوار شدن بر جریان آن یا حرکت به وسیله آن تجربه گردد (Turner, ۲۰۰۷: ۸۹-۹۰). از این منظر به‌واسطه شکل‌گیری و توسعه تجارب همبستگی و احساسات قوی در بین افرادی که در مواضع یکسانی قرار دارند امید اجتماعی سر برمی‌آورد.

۱. Interaction ritual chains

۲. Solidarity rituals

از دیگر جامعه‌شناسانی که به مقوله امید اجتماعی توجه کرده است جانانان اچ ترنر است. ترنر بیش از هر جامعه‌شناس دیگری تلاش کرده است نظریه‌ای جامع در حوزه احساسات انسانی بپروراند. وی نظریه‌ای را با عنوان "نظریه عمومی جامعه‌شناختی احساسات"^۱ با استفاده از ترکیب مسائل و مباحث چندین سنت نظری از جمله کنش متقابل نمادین، نظریه کنش متقابل آیینی کالینز، تحلیل نمایشی گافمن و... تدوین کرده است. طبق نظر ترنر انسان دست به تفسیر موقعیت‌های کنش اجتماعی می‌زند و قبل از ورود به یک موقعیت کنش متقابل انتظارات خاصی در ذهن خود نسبت به این‌که چه اتفاقی در این موقعیت باید رخ دهد و یا رخ خواهد داد شکل می‌دهد. این انتظارات، زمینه تفسیر فرد از موقعیت‌های کنش اجتماعی را فراهم می‌آورند و هم روی رفتارهای خودش و هم روی واکنش‌های وی به رفتار دیگران تأثیر می‌گذارند. از نظر ترنر ساختار و فرهنگ به طرق مختلف تحمیل می‌شوند و عوامل متعدد جمعیت‌شناختی، ساختاری، فرهنگی و مبادله‌ای در شکل‌دهی به این انتظارات دخیل‌اند (Turner, ۲۰۰۷: ۱۶۶). منظور از عوامل جمعیت‌شناختی، تعداد و ماهیت افرادی است که فرد ممکن است در یک موقعیت با آنها روبرو شود، عوامل ساختاری به مناسبات قدرت و منزلت نیروهای اثربخشی که احساسات آدم‌ها در موقعیت‌های کنش متقابل را برمی‌انگیزانند، اشاره دارد. عوامل فرهنگی نمادهایی هستند برای مشارکت‌کنندگان در یک موقعیت و استانداردها و دستورالعمل‌های رفتاری فراهم می‌کنند و عوامل مبادله‌ای نیازهای بنیادینی هستند که افراد در مواجهات خود می‌طلبند و انتظار دارند در طول کنش متقابل به آنها پاسخ داده شود (Turner, ۱۹۹۹: Turner, ۲۰۰۷).

طبق نظر ترنر مجموعه عوامل یادشده می‌توانند در تقابل با موقعیت فعال‌شده و روی شکل‌گیری احساسات آدم‌ها تأثیرگذارند، به‌علاوه، آنها با یکدیگر ارتباط

متقابل دارند و اثرات آنها انباشتی است. آنچه که از نظریه ترنز برای بحث ما حائز اهمیت است قرار دادن مقوله امید اجتماعی در درون مجموعه انتظاراتی است که خود بر اساس مفروضات فرهنگی، ساختاری، جمعیت شناختی و مبادله‌ای شکل گرفته است. بر این اساس همخوانی یا ناهمخوانی بین این انتظارات و آنچه که فرد در واقعیت تجربه می‌کند موجب برانگیختگی احساسی (امید یا ناامیدی) در افراد می‌گردد. به‌علاوه، افراد وقتی وارد یک موقعیت کنش متقابل می‌شوند با خود سرگذشتی از نحوه نمایش احساساتشان در گذشته و مکانیزم های تدافعی که برحسب عادت استفاده کرده‌اند به همراه دارند که این دو روی تولید انرژی احساسی در طول انجام هرگونه کنش متقابل خاص، تأثیری تراکمی بر جا می‌گذارند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های جامعه‌شناختی در حوزه امید اجتماعی به‌خصوص تحقیقات تجربی در ایران بسیار اندک است و تنها در سال‌های اخیر و در قالب «همایش امید اجتماعی در ایران» زمینه برای پرداختن به مسئله امید از منظرهای گوناگون جامعه‌شناختی، سیاسی، فلسفی و... فراهم گردید. اگرچه تا قبل از این تحقیقاتی عمدتاً با رویکرد روان‌شناختی و در نمونه‌های محدود و جزئی درباره مقوله امید انجام شده است (برای مثال علی پور و اعراب شیبانی (۱۳۹۰)، گیتی قریشی (۱۳۸۸)، نصیری و جوکار (۱۳۸۷). در همایش یادشده عمده مقالات ارائه‌شده از بعد نظری و طرح مباحثی نظیر چیستی امید اجتماعی، انواع امید، راهکارهای افزایش امید، سیاست امید و... مسئله امید اجتماعی را واکاوی کرده‌اند. در اینجا به جهت طرح سابقه موضوع برخی از این مقالات معرفی می‌شوند. در ابتدا به مقالاتی می‌پردازیم که عمدتاً با رویکرد نظری مطرح شده‌اند. حسام سلامت (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «امید یک مردم: درآمدی بر مختصات نوعی سیاست امید» با طبقه‌بندی امید به امید ایدئالیستی (امید به‌مثابه یک ایده)، امید تاریخی

(امید به مثابه یک رخداد)، امید عینی (امید به مثابه فرصت‌ها در نظام اجتماعی) و امید سلبی (امید به مثابه نفی حدود مرزهای وضعیتی تاریخی) بر نوع چهارم امید یعنی امید سلبی تأکید می‌کند و آن را چیزی بیش از دل بستن به امکان‌های عینی، ظرفیت‌های ساختاری و فرصت‌های نظام‌مند موجود در وضعیتی تاریخی می‌داند. چنین تلقی از امید لاجرم امیدی سیاسی است که می‌تواند فضای آینده را در دل همین اکنون به روی همگان باز کند. مقاله «سرانجام روزی فرا خواهد رسید» (شریعتی، ۱۳۹۶) از بازگشت جامعه‌شناسی به چشم‌اندازهای رهایی‌بخش و امیدبخش بسان فراخوان امید در دل اندیشه‌های جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم (امید به پایه‌گذاری اخلاق مدنی)، سن سیمون (امید به مسیحیت جدید)، آگوست کنت (امید به دین بشریت) و مارکس (امید به جامعه آرمانی کمونیسم) سخن به میان می‌آورد. در این نوشتار بر این مسئله تأکید شده است که جامعه‌شناسی موجود صرفاً به تشریح وضعیت موجود بسنده کرده و از اندیشیدن به اندیشه‌های رهایی‌بخش مغفول مانده است.

مقاله «نقش سیاست در ایجاد یاس و امید» به قلم محمدجواد غلامرضا کاشی (۱۳۹۶) نیز از منظر عاملیت سیاسی به مقوله امید می‌پردازد و به این مسئله اشاره می‌کند که جامعه ایران به تدریج با واقعیت نگران‌کننده رشد فزاینده یاس و ترس از فروپاشی اجتماعی و سیاسی مواجهه می‌شود. عرصه سیاسی ایران طی چهار دهه گذشته نقش مهمی در تولید ذهنیت جمعی همراه با یاس و سرخوردگی در جامعه داشته است از طرفی احساس ناامیدی و آینده شوم نیز نقش مهمی در بحران‌های اقتصادی و فرهنگی داشته است. بر این اساس یاس و امید که از عاملیت عرصه سیاسی سرچشمه گرفته در ظهور ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ نقش اساسی ایفا کرده است. بر این اساس همان‌طور که یاس و بی‌ثباتی سیاسی به مسئله اصلی جامعه ایران تبدیل شده است، امید و ثبات نظام سیاسی نیز به هم گره خورده‌اند.

برخی از مقالات نیز بر مبنای تحقیقات تجربی نگاشته شده‌اند. مقاله «بررسی وضعیت امید به آینده در نوجوانان استان لرستان» (رفیعی راد و محمدی، ۱۳۹۶) با

روش پیمایش و با نمونه ۴۰۰ نفری از نوجوانان استان لرستان وضعیت امید به آینده را در نمونه مورد مطالعه در ابعاد روانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده نوجوانان امید به آینده اقتصادی و اجتماعی را در سطح «تا حدی ناامید» و امید تحصیلی، سیاسی و روانی را در سطح «نسبتاً امیدوار» ارزیابی کرده‌اند. به‌علاوه از میان پارامترهای موردسنجش پایه تحصیلی در مقایسه با جنس، محل سکونت، نوع مدرسه، رشته تحصیلی و شهرستان محل سکونت تأثیر معناداری در تبیین مقوله امید داشته است.

در مقاله ارزیابی اعتماد اجتماعی سالمندان و بازنشستگان در ایران بر اساس یافته‌های پیمایش‌های ملی (نصر اصفهانی، ۱۳۹۶) که تا حدودی به موضوع مقاله حاضر نزدیک است و با استفاده از اطلاعات پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و تحلیل ثانویه داده‌های آن تصویری کلی از وضعیت امید اجتماعی در این گروه از جمعیت ایران ارائه می‌کند، ضمن تأکید بر اهمیت دوره بازنشستگی و سالمندی در دوران مدرن و افزایش امید به زندگی به‌عنوان دوره‌ای پویا و مولد، امید به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم در کیفیت زندگی سالمندان و بازنشستگان موردتوجه قرار گرفته است. بر اساس نتایج این مطالعه گرچه میزان امید اجتماعی در سالمندان همچون سایر گروه‌های اجتماعی نسبتاً پایین است اما آن‌ها به آینده امیدوارترند و شناسایی زمینه‌های ارتقای امید اجتماعی در سالمندان می‌تواند در سیاست‌گذاری اجتماعی برای این بخش رو به رشد جامعه ایران مؤثر باشد و به بهبود شرایط زندگی آن‌ها کمک کند.

با توجه به آنچه مطرح شد در سابقه مورد بررسی برای مقاله حاضر به‌جز در موارد معدود که آن‌هم در مقیاس خرد و در قالب گروه‌های خاص (نظیر سنجش امید در میان سالمندان یا نوجوانان یک منطقه خاص) سنجش تجربی امید موردتوجه بوده است، سایر منابع و کلیت مقالات و نوشته‌های همایش امید اجتماعی در ایران دارای ابعاد نظری و فلسفی بوده‌اند. اگرچه پرداختن به مسئله امید از منظر نظری و فلسفی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند مبنای تئوریک لازم برای تحلیل امید در جامعه ایران

را فراهم کند اما به همان اندازه طرح و ارائه تصویر امید در جامعه ایران بر مبنای داده‌های معتبر و پیمایش‌های ملی ضروری است. این مقاله برای پر کردن خلأ ناشی از مطالعات میدانی و تجربی نگاشته شده است و درصدد است صرفاً وضعیت موجود جامعه ایران را از منظر امید اجتماعی به تفکیک استان‌های مختلف به تصویر بکشد تا از این رهگذر مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی فراهم گردد.

روش‌شناسی

روش‌شناسی مورد استفاده در این مقاله مبتنی بر روش اسنادی و مراجعه به داده‌های اولیه و سپس آنالیز این داده‌ها است. به این معنا که از طریق تحلیل ثانویه داده‌های موجود، شاخص امید اجتماعی احصاء و مورد تحلیل قرار گرفته است. داده‌های مورد نیاز این مقاله از «طرح ملی سنجش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» که توسط وزارت کشور و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال ۱۳۹۵ انجام شده به دست آمده است.^۱ جامعه آماری این طرح، مجموع افراد ۱۸ سال به بالای خانوارهای شهری (شهرهای مرکز هر شهرستان) ساکن در ۳۱ استان کشور در زمان اجرای طرح است. برای هر کدام از شهرها متناسب با طبقه جمعیتی آن‌ها، حجم نمونه تعیین شده است که در مجموع حجم کل نمونه‌ها برای کل کشور برابر با ۸۲۵۰۰ نفر ساکن در ۴۲۶ شهر می‌باشد. در این تحقیق واحد تحلیل فرد است اما سطح تحلیل استان است و تحلیل‌های ارائه شده در این تحقیق برای ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۵ جمعیت شده و در سطح استان‌ها گزارش می‌شود.

برای سنجش شاخص امید اجتماعی با توجه به چارچوب مفهومی طرح سنجش وضعیت اجتماعی در قالب سه سؤال از پاسخگویان خواسته شده که ارزیابی خود را از

۱- نویسندگان مقاله از مرکز ملی رصد اجتماعی کشور که داده‌های این طرح را در اختیار آنها قرار داده‌اند تشکر می‌نمایند.

وضع گذشته، حال و آینده خود به صورت کلی مشخص نمایند. پاسخگویان به هر یک از این سه سؤال می‌توانستند نمره‌ای بین صفر تا ۲۰ بدهند. از این رو با استفاده از داده‌های مربوط به این سه گویه، امید اجتماعی، پنداشت و ارزیابی مردم از تغییر وضعیت خود و جامعه در طول زمان تعریف شده است. در جدول زیر تعاریف مفهومی و نحوه شاخص سازی متغیرهای مورد بررسی در این مقاله آمده است.

جدول ۱- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نام متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	شاخص
ارزیابی از گذشته	ارزیابی افراد از وضعیت کلی زندگی بر مبنای ادراک از زمان گذشته	شما چه نمره‌ای به وضع زندگی خود در ۱۰ سال گذشته می‌دهید. (نمره‌گذاری بر روی پیوستار ۰ تا ۲۰)	محاسبه میانگین کل برای ساکنان هر استان (نمره گذشته P.S)
ارزیابی از حال	ارزیابی و پنداشت افراد از وضعیت زندگی و شرایط کنونی	شما چه نمره‌ای به وضع زندگی خود در حال حاضر می‌دهید. (نمره‌گذاری بر روی پیوستار ۰ تا ۲۰)	محاسبه میانگین کل برای ساکنان هر استان (نمره حال N.S)
ارزیابی از آینده	پیش‌بینی از تغییر قابل‌انتظار در زمان آینده	شما فکر می‌کنید وضع زندگی شما در ۱۰ سال آینده چه نمره‌ای خواهد داشت. (نمره‌گذاری بر روی پیوستار ۰ تا ۲۰)	محاسبه میانگین کل برای ساکنان هر استان (نمره آینده F.S)
پنداشت جمعی از گذشته	پنداشت از گذشته نوعی خاطره و احساس جمعی مثبت و یا منفی برآمده از تجربه زیسته در گذشته است	ارزیابی جمعی از وضعیت گذشته جامعه بر مبنای شرایط کنونی	محاسبه تفاضل نمره گذشته از نمره حال $E.P = P.S - N.S$
امید اجتماعی	نوعی ارزیابی مقایسه‌ای و احساس جمعی نسبت به	پیش‌بینی از تحولات آتی جامعه بر مبنای شرایط کنونی	محاسبه تفاضل نمره حال از نمره آینده $H.F = N.S - F.S$

		آینده بر مبنای پنداشت و ادراک حاصل از تجارب قبلی است	
--	--	--	--

با توجه به تعاریف به عمل آمده، امید اجتماعی مفهومی است که در زمان شکل می‌گیرد و تجارب انسان‌ها به عنوان یک واقعیت عینی برای احساسی که آن‌ها نسبت به وضعیت خود ادراک می‌کنند تعیین‌کننده است. از این منظر امید اجتماعی اگرچه نوعی پنداشت و احساس است اما این احساس در خلأ پدید نیامده بلکه ناشی از تأثیراتی است که افراد حداقل در این تحقیق در طول یک دوره بیست‌ساله با آن مواجه بوده و نسبت به آن ارزیابی داشته‌اند. جدول زیر مشخصات آماری این سه گویه را برای کل افراد نمونه نشان می‌دهد.

جدول ۲- ارزیابی افراد نمونه نسبت به وضعیت گذشته، حال و آینده

دسته‌بندی نمره	وضع گذشته		وضع حال		وضع آینده	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
صفر تا هفت	۳۳۱۵	۴	۳۱۰۳	۳٫۸	۶۴۵۰	۷٫۸
هشت تا چهارده	۲۳۵۰۴	۲۸٫۵	۲۰۵۶۱	۲۴٫۹	۱۶۹۶۹	۲۰٫۶
پانزده تا بیست	۵۴۵۲۵	۶۶٫۱	۵۷۷۶۲	۷۰	۵۳۹۴۶	۶۵٫۴
پاسخ معتبر	۸۱۳۴۴	۹۸٫۶	۸۱۴۲۶	۹۸٫۷	۷۷۳۶۵	۹۳٫۸
بدون پاسخ	۱۱۵۶	۱٫۴	۱۰۷۴	۱٫۳	۵۱۳۵	۶٫۲
جمع	۸۲۵۰۰	۱۰۰	۸۲۵۰۰	۱۰۰	۸۲۵۰۰	۱۰۰
میانگین نمره از ۲۰	۱۵٫۰۹		۱۵٫۲۱		۱۵٫۱۷	

با توجه به میانگین کل برای سه مقطع گذشته، حال و آینده، پنداشت و ارزیابی ایرانیان در مجموع بدین شکل است که وضعیت حال را با تفاوت نسبت به گذشته (ده

سال قبل) بهتر دانسته‌اند اما این روند را برای ادامه و آینده متصور نبوده بلکه برعکس بر این باورند که آینده (ده سال بعد) نسبت به زمان حال اوضاع بدتر خواهد شد.

جدول ۳- همبستگی پیرسون بین ارزیابی از وضع حال با وضع گذشته و آینده

ارزیابی از آینده	ارزیابی از گذشته		
۰,۷۴۳**	۰,۵۹۷**	ضریب پیرسون	ارزیابی از حال
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	مقدار معناداری	
۳۱	۳۱	تعداد	

در کنار سه شاخص ارزیابی گذشته، حال و آینده، در این مقاله با توجه به تفاضل بین میانگین نمرات زمان حال با گذشته و آینده که با همدیگر نیز همبستگی مثبتی دارند (جدول شماره ۲) وضعیت استان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارتی در اینجا با مرجع قرار دادن زمان حال افراد، احساس و پنداشت نسبت به گذشته و امید نسبت به آینده از طریق فرمول‌های زیر محاسبه شده است.

$$(1): E.P = P.S - N.S$$

$$(2): H.F = N.S - F.S$$

در این قاعده‌ها، $E.P$ ^۱ پنداشت از گذشته، $N.S$ ^۲ نمره زمان حال، $P.S$ ^۳ نمره زمان گذشته، $H.F$ ^۴ امید به آینده و $F.S$ ^۵ نمره زمان آینده است. نتیجه این فرمول‌ها بیانگر نوسان وضع گذشته و آینده نسبت به وضع حال است. در فرمول اول در صورتی که نتیجه آن عدد مثبتی باشد یعنی وضع حال در مقایسه با گذشته بهتر شده

۱. Emotion of the past

۲. Now Score

۳. Past Score

۴. Hope for the Future

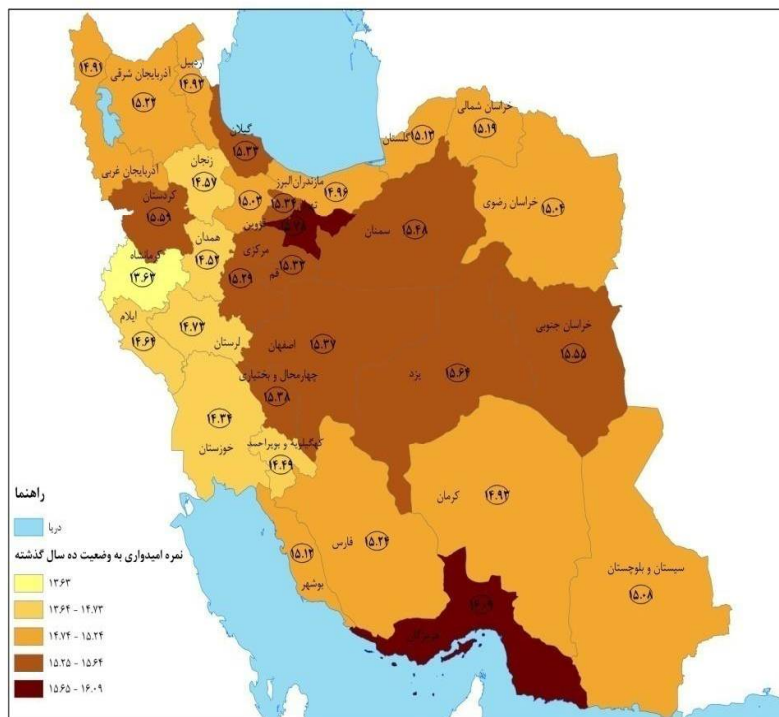
۵. Future Score

است و در صورتی که نتیجه عدد منفی باشد یعنی گذشته از حال بهتر بوده است. همچنین در فرمول دوم که معرف امید به آینده است، اگر نتیجه مثبت باشد یعنی امیدواری به بهبود وضعیت در آینده وجود دارد و در صورت عکس یعنی این که مردم در قیاس با زمان فعلی به اوضاع آینده چندان امیدوار نیستند.

سیمای امید اجتماعی

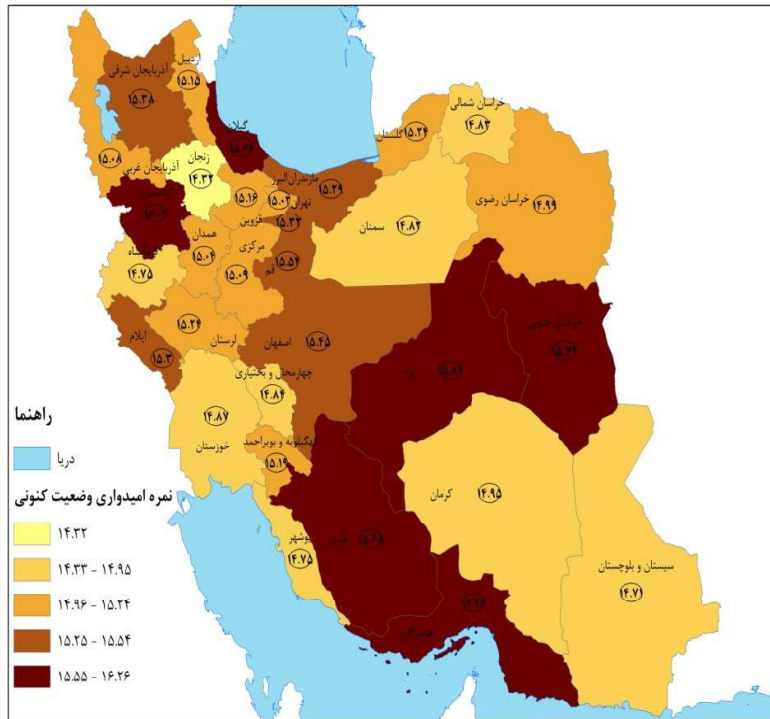
با توجه به نتایج تجمیع شده استانی برای کل نمونه مورد مطالعه که تبدیل به نمره واحد میانگین برای هر استان شده است به بررسی سیمای امید اجتماعی در بین استان‌های کشور می‌پردازیم. برای تحلیل وضعیت کنونی و امید به آینده ابتدا بهتر است نگاهی به ارزیابی از وضع گذشته از نظر پاسخگویان داشته باشیم. در این ارتباط یکی از موارد مورد سؤال در طرح ملی سنجش وضعیت اجتماعی ایرانیان ارزیابی وضعیت ۱۰ سال گذشته بوده است. نتایج حاصل از این گویه برای استان‌های کشور نشان می‌دهد دامنه تغییرات این شاخص برابر با ۲,۴۶ و بین ۱۳,۶۳ تا ۱۶,۰۹ قرار داشته است. استان‌های کرمانشاه، خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد و همدان گذشته را نامطلوب ارزیابی کرده‌اند و پایین‌ترین نمره در بین استان‌های کشور به این دسته از استان‌ها تعلق دارد. در مقابل استان‌های هرمزگان، تهران و یزد وضع ده سال پیش را به نسبت بقیه استان‌ها مطلوب‌تر دانسته‌اند. میانگین کشوری برای این شاخص ۱۵,۰۹ شده است که تعداد ۱۴ استان زیر میانگین و ۱۷ استان بالای میانگین قرار گرفته‌اند. تصویر کلی نقشه حاکی از آن است که در استان‌های مرکزی کشور در مقایسه با استان‌های پیرامونی، وضع گذشته بهتر ارزیابی شده است (نقشه شماره ۱).

نقشه ۱- میانگین ارزیابی از وضعیت ده سال گذشته به تفکیک استان‌ها



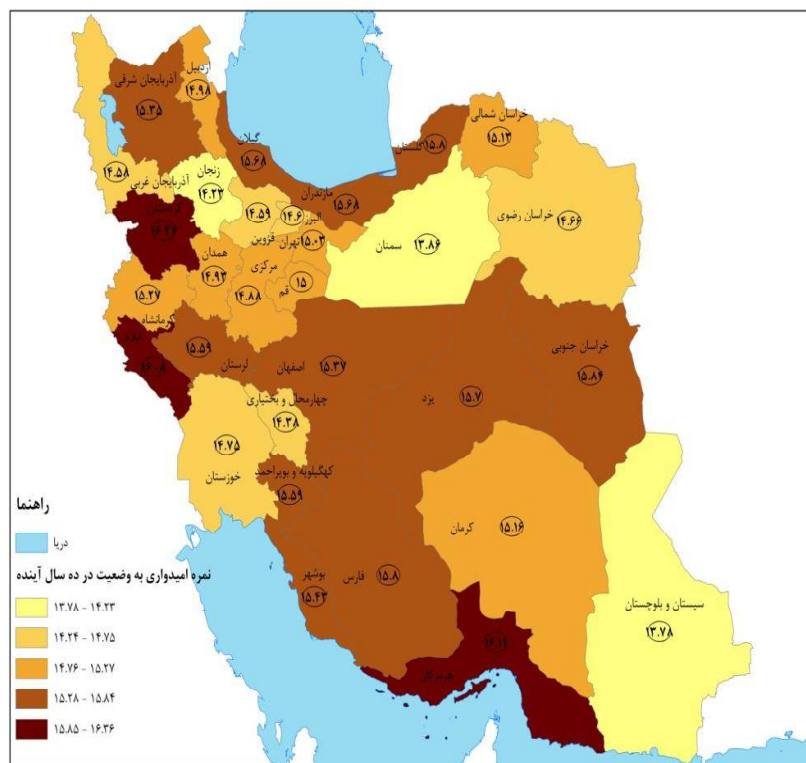
حال اگر نگاهی به وضعیت اکنون جامعه داشته باشیم که در نقشه شماره ۲ به تصویر کشیده شده است، مشخص می‌شود استان‌های زنجان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و بوشهر از پایین‌ترین میانگین برخوردارند و در مقابل موقعیت استان‌های هرمزگان، کردستان، یزد، خراسان جنوبی و گیلان نسبت به بقیه در وضع بهتری است. دامنه تغییرات نمره این متغیر برابر با ۱,۹۴ و بین ۱۴,۳۲ تا ۱۶,۲۶ است که در مقایسه با ارزیابی از زمان گذشته نشان از کمتر شدن پراکندگی نمرات در بین استان‌ها دارد و از طرف دیگر بهتر شدن وضع به سبب افزایش در مقدار کمینه برآورد شده از وضعیت حال در مقایسه با گذشته (یعنی نقشه شماره ۱) مشخص است.

نقشه ۲- میانگین ارزیابی از وضعیت حال به تفکیک استان‌ها



در پاسخ به این سؤال که ده سال آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید و افراد جامعه چه نمره‌ای به وضع ده سال آتی خود می‌دهند، نتایج حاکی است که دامنه تغییرات این متغیر نسبت به ارزیابی از زمان حال و حتی گذشته زیاد شده است؛ یعنی برابر با مقدار ۲,۵۸ است که این نشان دهنده نابرابر شدن امید اجتماعی در بین استان‌های کشور است. با توجه به نقشه شماره ۳ استان‌های کردستان، ایلام، هرمزگان و تا حدودی نواحی مرکزی کشور میانگین بالاتری در خصوص ارزیابی از وضع ده سال آتی دارند در حالی که ساکنان استان‌های زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان وضع خود را در ده سال آینده نامطلوب پیش‌بینی کرده‌اند.

نقشه ۳- میانگین ارزیابی از وضعیت ده سال آینده به تفکیک استان‌ها



شاخص ترکیبی امید اجتماعی

تا بدین جا بر مبنای ارزیابی ساکنان هر استان، سیمای وضعیت گذشته، حال و آینده ترسیم شد که این وضعیت بیشتر ناظر بر تصور ذهنی پاسخگویان است. حال اگر با تسامح بپذیریم که ممکن است بر مبنای اختلاف بین میانگین نمرات وضع گذشته، حال و آینده شاخصی برای امید اجتماعی به دست آورد در آن صورت می‌توان گفت به این شاخص عینیت بیشتری داده شده است. در این ارتباط با مبنای قرار دادن وضع حال افراد به‌عنوان متغیری که امکان مقایسه را فراهم می‌کند می‌توان گفت تجربه ناشی از

گذشته و وضعیت فعلی افراد بر روی تصویری که از آینده حاصل می‌شود مؤثر است. به عبارتی در اینجا امید، احساسی است برآمده از تجربه عینی زندگی گذشته و شرایط کنونی که البته این احساس می‌تواند ظرفیت عملی برای کنش‌های اثربخش در نزد کنشگران را به بار آورد.

جدول ۴- همبستگی بین متغیر تفاضل حال و آینده با تفاضل حال و گذشته

تفاضل حال و گذشته	تفاضل حال و آینده	
-۰,۵۳۶**	ضریب پیرسون	
۰,۰۰۲	مقدار معناداری	
۳۱	تعداد	

مطابق یافته‌های حاصل از مقایسه وضعیت گذشته و آینده با وضع کنونی (حال) مشخص گردید که اولاً بین دو متغیر تفاضل حال و آینده با متغیر تفاضل حال و گذشته همبستگی منفی وجود دارد. این بدان معناست که افرادی که وضع گذشته خود را به نسبت وضع حال بدتر دانسته‌اند امید بیشتری دارند تا وضع آتی مثبت‌تر شود. در حقیقت با ایجاد و یا وعده ایجاد تغییرات در وضعیت فعلی افراد در مقایسه با وضعیت ده سال قبل (گذشته) درک مردم از حال و آینده مثبت‌تر شده است. آنان بر مبنای آن چه که در این فاصله زمانی درک کرده‌اند روزگار بهتری را در آینده پیش روی خود تصور نموده‌اند. حال آنکه در جاهایی که گذشته به نسبت حال بهتر ارزیابی شده است اوضاع آینده بدتر و نامطلوب‌تر تصویر شده است.

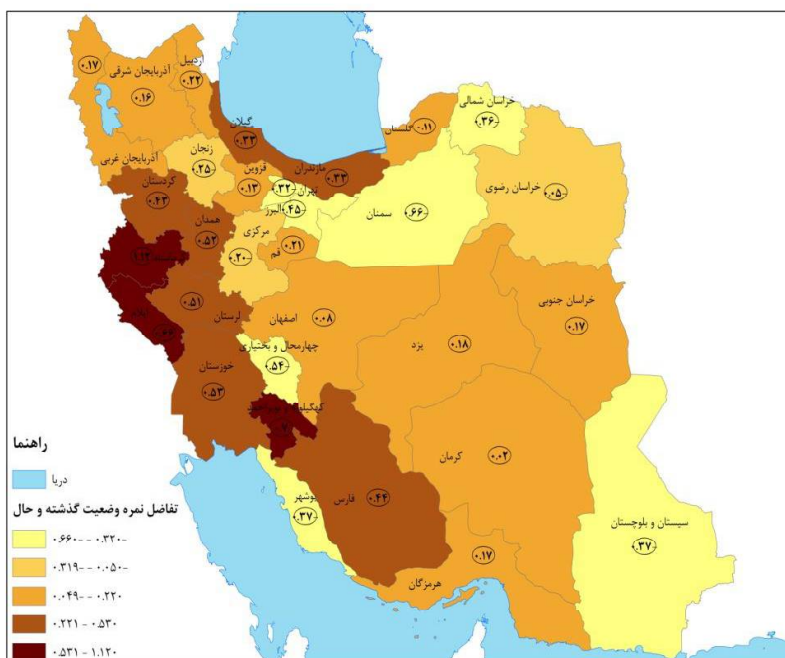
حال بر اساس فرمول شماره یک، ارزیابی از وضعیت گذشته در مقایسه با وضع حال محاسبه شده است:

$$(1): E.P = N.S - P.S$$

در این فرمول، (E.P) پنداشت از زمان گذشته، (N.S) نمره زمان حال و (P.S) نمره زمان گذشته است.

نقشه شماره (۴) نمرات حاصل از این فرمول را برای استان‌های کشور نشان می‌دهد. در این نقشه استانهایی که دارای رنگ تیره‌تر هستند یعنی وضع حال از وضع گذشته در آن‌ها بهتر شده است؛ مناطقی که وضع گذشته مطلوبی در مقایسه با زمان حال نداشته‌اند و استان‌های با رنگ روشن‌تر، نشان دهنده این است که فاصله شرایط کنونی با وضعیت گذشته بدتر شده است. استان‌های چهارم‌حال و پنجم‌حال، سمنان، تهران، بوشهر، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، البرز، زنجان، مرکزی و خراسان رضوی جزء این دسته هستند که عدد حاصل از فرمول یادشده برای آن‌ها منفی شده است. در مقابل این دسته از استان‌ها برخی استان‌ها نظیر کرمانشاه، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، همدان و لرستان وضع کنونی را به مراتب مثبت‌تر از اوضاع پیشین ارزیابی کرده‌اند. اگرچه با توجه به محاسبه میانگین کل این شاخص برای کشور که برابر با (۰,۱۲) است می‌توان گفت در مجموع و به طور متوسط در کل کشور وضع حال در مقایسه با وضع گذشته مثبت ارزیابی شده است.

نقشه ۴- ارزیابی وضعیت گذشته در مقایسه با وضعیت حال

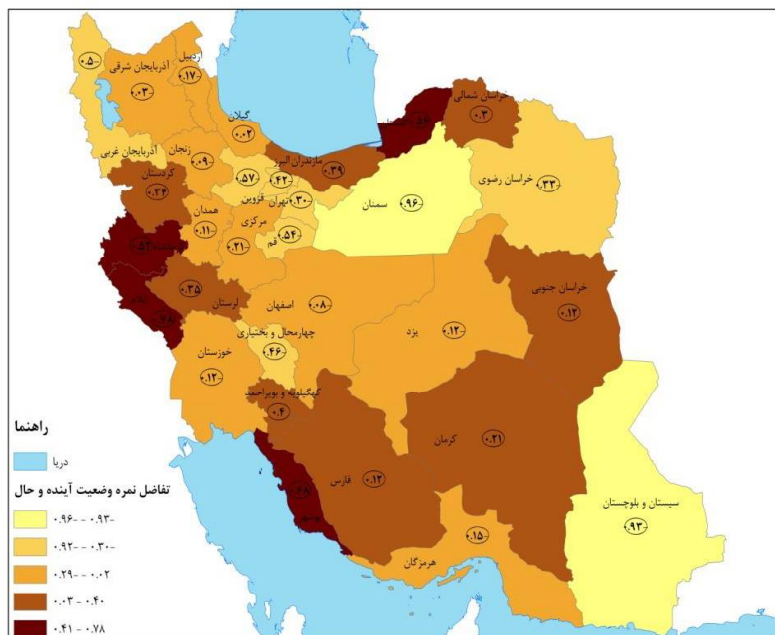


اما در نقشه شماره ۵ که در واقع تصویر امید به آینده را برای ایران نشان می‌دهد، شاخص امید اجتماعی از طریق مقایسه وضع آینده با وضع کنونی مورد ارزیابی واقع شده است و برای تعیین نمره آن از طریق فرمول شماره ۲ عمل شده است:

$$(2): H.F = N.S - F.S$$

در این فرمول، (H.F) امید به آینده یا امید اجتماعی، (N.S) نمره زمان حال و (F.S) نمره ارزیابی زمان آینده است.

نقشه ۵- ارزیابی وضعیت آینده (امید به آینده) در مقایسه با وضعیت حال



آنچنان که در نقشه شماره ۵ پیداست استانهایی که با رنگ تیره‌تر مشخص شده‌اند امید به آینده بیشتری دارند. با توجه به نتایج محاسبه‌شده برای همه استان‌ها، تعداد ۱۳ استان وضع آینده را به نسبت حال بهتر دانسته‌اند که در این میان استان‌های کرمانشاه، ایلام، بوشهر و گلستان اختلاف بیشتری با بقیه دارند یعنی استانهایی که به مراتب امید اجتماعی در آنها بیشتر دیده می‌شود. در واقع اگر این استان‌ها را با نقشه قبل مقایسه نماییم متوجه خواهیم شد این استان‌ها همان‌هایی هستند که وضعیت کنونی را نسبت به گذشته بهتر ارزیابی کرده‌اند. در مقابل این گروه از استان‌ها، تعداد بیشتری از استان‌های کشور یعنی هجده استان نمره امید اجتماعی برای آنها منفی است. به عبارت بهتر ساکنان این استان‌ها تصور نمی‌کنند که آینده بهتر از اکنون شود. در این استان‌ها که به

ترتیب از بدترین شامل سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، آذربایجانغربی، چهارمحال و بختیاری، البرز، خراسان رضوی، تهران، مرکزی، اردبیل، هرمزگان، یزد، خوزستان، همدان، زنجان و اصفهان می‌گردد نتیجه ارزیابی از آینده به نسبت حال منفی بوده است و آن‌ها امید چندانی ندارند که فردایشان بهتر از امروز باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: سیاست امید اجتماعی

مطالعه توصیفی حاضر تلاشی در راستای فهم و درک امید اجتماعی بر مبنای داده‌های تجربی موجود بوده است و در این راستا کوشش شده تا به شکل مبسوطی به این سؤال که وضعیت امید در کشور به چه شکل است؟ پاسخ داده شود. در ابتدا سیمای کلی ارزیابی استان‌ها از وضعیت گذشته، حال و آینده نشان داده شد و پس از آن تلاش گردید شاخص ترکیبی امید اجتماعی بر مبنای داده‌های موجود ساخته شود تا بتوان وضعیت امید به آینده از خلال مقایسه ارزیابی افراد از وضع کنونی و نیز گذشته خود به دست آید. در مجموع نتایج نشان می‌دهند که اولاً امید اجتماعی را می‌بایستی در نسبت به متغیر زمان بررسی کرد و به عبارتی این شاخص خود فی نفسه متغیری زمانمند است. ثانیاً این شاخص اجتماعی است زیرا بنا بر تجاربی که در بسترهای اجتماعی متفاوت شکل می‌گیرد میزان آن نیز کم و زیاد می‌شود. و ثالثاً این که امید اجتماعی در ایران روندی کاهشی را طی کرده است. زیرا میانگین تفاضل نمره حال و آینده کل کشور برابر با (۰,۰۴-) است که مقداری منفی است و نسبت به زمان حال که میانگین معادل (۰,۱۲) و مثبت بوده است، شرایط بدتری را نشان می‌دهد. حال البته سؤال مهمتری از بطن یافته‌های این تحقیق سر بر آورده است که چرا امید در بین مناطق مختلف کشور متفاوت است؟ و چرا روند کمی امید اجتماعی در کشور منفی و رو به کاهش است؟ این سؤالات بنا بر پیش فرض مستتر در آن دال بر این که امید اجتماعی متغیری زمینه‌مند است درخور مطالعه و تبیین است و نیازمند تحقیقی دیگر است. با توجه به نتایج به دست آمده و همچنین طرح مباحثی برای تحقیقات آتی در موضوع امید

اجتماعی و مهم‌تر از همه سیاست‌گذاری اجتماعی برای افزایش امید در جامعه در ادامه نکاتی را مطرح می‌کنیم.

مهم‌ترین بخش سیاست‌گذاری در حوزه امید اجتماعی، اندیشیدن به خود امید است. امید اجتماعی یک سازه^۱ است و نه یک ساختار^۲. در این معنا، سیاست امید اجتماعی می‌بایست امید را به‌مثابه یک سازه اجتماعی تولید و تکثیر کند. تولید امید در زبان و دنیاها گفتمانی صورت می‌گیرد. از این رو لاجرم می‌بایست ایده امید اجتماعی وارد دنیای زبانی گفتمان اجتماعی، سیاست و نظام‌های دانش به‌ویژه گفتمان علوم اجتماعی گردد. در جامعه ایرانی بیشتر از آنکه ایده امید اجتماعی در نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وارد شده باشد، ایده ناامیدی و یاس گفتمان غالب بوده است. هم فضای روشنفکری در ایران و هم قلمرو علوم اجتماعی کمترین توجه را به ایده امید اجتماعی داشته‌اند. بنابراین سیاست امید اجتماعی می‌بایست تمرکز و توجه‌اش تکثیر گفتمان امید در حوزه‌های آکادمیک، سیاست، اقتصاد و کلیت نظام اجتماعی باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفهوم امید اجتماعی، هم در ایران و حتی در جهان چندان به عرصه علوم اجتماعی راه نیافته است و تنها در یکی دو دهه اخیر است که برخی محققان علوم اجتماعی در جهان به مقوله امید اجتماعی توجه کرده‌اند و از دهه ۱۹۷۰ به بعد است که به‌تدریج جامعه‌شناسان و سایر نظریه‌پردازان علوم اجتماعی به حوزه احساسات انسانی^۳ توجه نشان داده‌اند و از منظر توجه به قلمرو احساسات و هیجانات، اندیشه امید اجتماعی را به‌مثابه یک امر اجتماعی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ طرح ایده امید از نظر تاریخی در حوزه علوم بیشتر صبغه روان‌شناختی دارد که البته آفت آن تبدیل امید به یک امر فردی، غیر اجتماعی و روان‌شناختی است. به نظر می‌رسد که غلبه گفتمان روان‌شناختی در باب مقوله امید بیش از هر چیز از آن

۱. construct

۲. structure

۳. human emotions

جامعه‌زدایی می‌کند. جامعه‌زدایی کردن از ایده امید آفت امید اجتماعی است. این یک موضوع حائز اهمیت برای سیاست امید اجتماعی است که از روان‌شناختی کردن این ایده بر حذر باشد. از نقطه نظر سیاست امید ضروری است که اندیشه امید وارد گفتمان علوم اجتماعی از یک‌سو و گفتمان سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر شود. موضوع قابل توجه دیگر برای سیاست امید اجتماعی شناسایی و تحقق ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معطوف به امید است. به عبارت دیگر امید اجتماعی یک وهم یا خیال نمی‌تواند باشد بلکه امری است که با نوعی عملگرایی و تحقق ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی امید همبسته است. امید اجتماعی با فرایندهای به رسمیت شناختن افراد، بازشناسی و پذیرش آنان، فراهم کردن شرایط ساختاری امکان ابراز خود و به حساب آمدن آن‌ها سر و کار دارد. در چنین شرایطی است که امید جای تحقیر شدگی و حاشیه‌ای شدن را می‌گیرد. به تعبیر ریچارد رورتی (۱۳۹۴) امید اجتماعی در یک جامعه با امکان روایت‌های یک ملت از دل تاریخ فرهنگی و اجتماعی خود و نیز مناسبات آنان در جریان زندگی هر روزه قابل استنباط است. رورتی از منظر اندیشه پراگماتیستی به ایده امید اجتماعی می‌نگرد و با انتقاد از منظرهای متافیزیکیال به امید اجتماعی آن را در بطن زندگی اجتماعی و روزمره و امور تاریخی جستجو می‌کند. بر همین اساس وظیفه فلسفه را قرار دادن امید اجتماعی در بطن امور تاریخی و بستر زندگی روزمره می‌داند تا از این منظر بتواند نوید بخش آینده‌ای روشن برای انسان باشد. جامعه باید بتواند خویشتن تاریخی و اجتماعی خود را زندگی کند و آن را در عرصه عمومی به تصویر بکشد. این یک ظرفیت اساسی برای تحقق سیاست امید است. سیاست امید اجتماعی می‌بایست امکان‌های تاریخی و فرهنگی برای تحقق امید در زمان حال و آینده را در عرصه عمومی به نمایش بگذارد. هر ملتی برای تحقق امید نیازمند تحقق خویش و ابراز وجود بر اساس عناصر فرهنگی و تاریخی‌اش است. دیده شدن، به حساب آمدن، کنشگر بودن و تحقق ظرفیت‌های انسانی بنیان امید اجتماعی است. یاس زمانی بر جامعه مستولی می‌گردد که امکان تحقق خویشتن و آشکارسازی ظرفیت‌های

انسانی و اخلاقی فراهم نباشد و افراد در یک جریان مستمر تحقیر شدگی قرار گیرند. امید زمانی به وجود می‌آید که شرایط شناسایی و تحقق خویشتن فردی و اجتماعی تک تک افراد و گروه‌های جامعه میسر باشد. سیاست امید لاجرم می‌بایست امکان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای تحقق امید اجتماعی را فراهم کند.

منابع

- تامپسون، کنت.. (۱۳۸۸)، *امید دورکیم*، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران: نشرنی.
- حسام سلامت.. (۱۳۹۶)، "امید یک مردم: درآمدی بر مختصات نوعی سیاست امید"، *چکیده مقالات اولین همایش علمی امید اجتماعی در ایران*، ۷ و ۸ اسفند ماه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی راد، علی احمد؛ محمدی، مرضیه.. (۱۳۹۶) "بررسی وضعیت امید به آینده در نوجوانان استان لرستان"، *چکیده مقالات اولین همایش علمی امید اجتماعی در ایران*، ۷ و ۸ اسفند ماه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- رورتی، ریچارد.. (۱۳۹۴)، *فلسفه و امید اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری، تهران، نشر نی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷) *نظریه جامعه‌شناختی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ سوم.
- شریعتی، سارا. (۱۳۹۶)، "سرانجام روزی فرا خواهد رسید" *چکیده مقالات اولین همایش علمی امید اجتماعی در ایران*، ۷ و ۸ اسفند ماه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
- پوراحمد، علی؛ اعراب شیبانی، خدیجه. (۱۳۹۰) رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، سال ششم، شماره ۲۲.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۹۰)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفدهم.
- گیتی قریشی، اشرف‌السادات. (۱۳۸۸)، *سطح امیدواری در دانشجویان سال اول و سال آخر رشته روانشناسی، فصلنامه اندیشه رفتار*، دوره سوم، شماره ۱۲.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸)، دورکیم، ترجمه: یوسف اباذری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- محمدجواد غلامرضا کاشی. (۱۳۹۶)، "نقش سیاست در ایجاد یاس و امید"، *چکیده مقالات اولین همایش علمی امید اجتماعی در ایران*، ۷ و ۸ اسفند ماه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
- نصر اصفهانی، آرش. (۱۳۹۶) ارزیابی اعتماد اجتماعی سالمندان و بازنشستگان در ایران بر اساس یافته‌های پیمایش‌های ملی، *چکیده مقالات اولین همایش علمی امید اجتماعی در ایران*، ۷ و ۸ اسفند ماه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نصیری حبیب‌الله؛ جوکار، بهرام. (۱۳۸۷)، معناداری زندگی و رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان (گروهی از زنان شاغل فرهنگی) *پژوهش زنان*، دوره ۶ شماره ۲.
- وزارت کشور. (۱۳۹۵)، گزارش پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی ایران، مرکز ملی رصد اجتماعی کشور.
- Collins, Randall. (1981). On the Micro Foundations of Macrosociology. *American Journal of Sociology*, 86(5): 984-1014.
- Collins, Randall. (1990). *Stratification, Emotional Energy, and the Transient Emotions*. Pp. 27-57 in Research Agenda in the Sociology of Emotions, (ed). Theodore Kemper. Albany, N. Y. Sunny Press.
- Snyder, C. R., Lopez, S. J., Shorey, H. S., Rand, K. L., & Feldman, D. B. (2003). *Hope theory, measurements, and applications to school psychology*. School Psychology Quarterly, 18(2), 122-139
- Turner, Jonathan and Jane, Stets. (2005), *The Sociology of Emotions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner, Jonathan H. (2004). *Theory and research on human emotions*. Amsterdam Boston: JAI Press.
- Turner, Jonathan H. (2007). *Human Emotions: A Sociological Theory*, London, UK: Routledge.
- Turner, Jonathan H.; Stets, Jan E. (2006). *Handbook of the sociology of emotions*. New York: Springer.
- Turner, Jonathan.H. (1999). Toward A General Sociological Theory of Emotions. *Journal for the Social Behaviour*, 29(2): 133-62.